

پوشاک دوره قاجار

سهیلا شهشهای

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۹	نقشه ایران
۱۰	زمینه تاریخی و اقتصادی
۲۱	معای لباس
۲۱	لباس و احساس شرمساری
۲۳	وقار و لباس
۲۵	رویکرد خارجیان به لباس زنان ایرانی
۲۵	لباس خویشتن را از هویتش متمایز می کند
۲۷ ..	لباس و جواهرات دارای یک خانواده بود
۲۹	مقررات و تقلیدها
۳۲	قدرت تاثیرگذاری لباس
۳۰	عراوت، هویت و لباس
۳۲	شیوه لباس پوشیدن معنی دار است
۳۵	هدیه خلعت
۳۵	معنی خلعت
۳۶	خلعت
۴۱	خلعت غیرسلطنتی
۴۳	شاه ایران
۵	ملاقات با شاه
۵۰	شاه در سفر
۵۷	فرمان ملوکانه
۵۹	انواع لباس
۵۹	لباس مردان
۵۹	لباس کودکان
۵۹	قسمت‌های مختلف لباس
۶۲	پوستین و حنه
۶۶	لباس زنان
۶۶	در حارح ار خانه و اماکن عمومی
۷۰	داخل خانه و حریم خصوصی
۷۸	لباس اقلیت‌های مذهبی
۹۰ ...	مشاعل و حرفه‌های مختلف
۹۰	درباریان و وررا
۹۲	کاتبان و دانشمندان
۹۹	و کلا
۹۹ ..	نازرگانان
۱۰۰	فراشان و خدمتکاران
۱۰۳	جواحه‌های حرم‌سرا
۱۳	آشپرها ..
۱۰۵	پهلوانان و رقاصان
۱۰۶	شکارچیان

۱۶	دراویش
۱۱۴	لناس و مراسم
۱۱۴	یوبیفرم بطامی
۱۲۲	لناس مدل
۱۲۴	تعبیر در لناس و اشیایی با سبک اروپایی
۱۲۸	موقعیت‌های خاص
۱۲۸	بحسب، زندگی روزمره
۱۳۲	درباره سفرها و ملاقات‌ها
۱۳۴	محالفا
۱۳۷	لناس عراداری مذهبی
۱۴۳	مراسم شاد
۱۴۳	حش‌های ملی و مذهبی
۱۴۸	مراسم اردواج
۱۵	حش‌های مختلف لناس
۱۵۰	پوشش سر
۱۵۴	کمرسد و شال کمر
۱۵۶	کفش
۱۵۷	حیاطی و مشاعل مربوط به آن
۱۶۳	حزایای لناس قاحار
۱۶۳	شرق ایران حراسا، شیروان، سیستان و بلوچستان
۱۷۵	حبوب ایران از بدرعاس تا حورستان
۱۷۹	بختیاری و سایر ایلات لر بررگ
۱۸۱	لر کوچک
۱۸۳	کردستان
۱۸۸	ادربایحان
۱۹۵	گیلان و مازدران
۲۰۶	ایران مرکزی اراک، ساوه، قم، اصفهان، شیراز، کرمان و حوالی کویر مرکزی
۲۱۹	نتیجه‌گیری
۲۲۱	صمائم
۲۲۸	عکس چید نمونه ار پارچه‌های دوره قاحار
۲۲۱	واره‌شناسی مربوط نه لناس در فرهنگ برهان قاطع
۲۲۸	کناپه‌ها
۲۳	واژه‌نامه ..
۲۳۰	انواع مختلف لناس ..
۲۳۴	قسمت‌های مختلف لناس ..
۲۳۵	مواد مختلف ..
۲۳۷	طرح‌ها و مدل‌های دوحت ..
۲۳۸	رنگ‌ها ..
۲۴۰	سابع
	نمایه



امیر کبیر با کلاه محرومی خود و سابی نا شمال همانویی و حمایل افخار تمامی قطعات خلعت را ساه نه وی نخسده بود (کلکسون بوسنده)

زمینه تاریخی و اقتصادی

دوران قاجار نشانگر تراژدی ایرانی بودن است؛ تراژدی برپا کردن یک امپراتوری با اراده حلال‌باپدیر اقامحمدخان، شگفت‌زده شدن از دیبای عرب، تلاش مستمر برای تحددگرایی، تن‌اسایی و بی‌حیالی سست به مسائل داخلی، و بی‌سبوباری و سهل‌انگاری در برابر سرزمین ارزشمند خویش

تراژدی ایرانی بودن با روابط فامیلی قاجار و حاکمیت قانون رودرروی یکدیگر قرار می‌گرفت و مقام سلطنت نمی‌توانست هویت و تجربه شخصی خود را از مفهوم حاکمیت قانون، جدا کند، که براساس آن همه افراد می‌بایست در برابر قانون یکسان باشند و روشمکران حدید به‌گونه‌ای فرایده حواستار آن بودند تاثیرپذیری از درباریان و وررا، حفظ قدرت تصمیم‌گیری در دست یک نفر، بود نظامی منطقی برای حکمرانی که در آن کنترل، بطارت، و توارن قدرت، مسائل دولت و کشور را به‌گونه‌ای شفاف کند که تصمیم‌گیری‌های درست برای مقام سلطنت اسان شود، آن هم در دورانی بحرانی، باعث شد اقامحمدخان به قدرت چنگ اندازد و به طبیعت و شکار و لذت‌های شخصی پناه نبرد این شیوه بودن و ریستن، مقطع زمانی یادشده را به دوره سسار مرفعی برای مطالعه و بررسی تراژدی ایرانی بودن در دهه‌های بعد تبدیل کرده است به‌سبب شکاف و حدایی میان قانون و حابواده، تحددگرایی و سست، و میان گذشته‌های پرشکوه و آینده‌ای پر انهام، و سر در چسب فضای متشسحی، که آکده از عرور و در عس حال فروتنی و حقارت بود، لباس (خلعت) نقشی محوری ایفا می‌کرد تش‌ها را می‌پوشاند و حقیقت عربیان را به حالت تعلیق در می‌آورد این نوعی وقت‌گذرانی بود که نابع رقابت و صرف هزینه‌های گراف می‌شد، حلوه‌ای از

شیک‌بوشی بود، نشانگر ریایی و تحملی ناشکوه بود که در مقامات دربار متحلی می‌شد، کسانی که مد ار وجود ان‌ها سرچشمه می‌گرفت و به‌گونه‌ای نمادین، مقامات رسمی را از مرکز به گوشه و کنار کشور توریع می‌کرد

لباس به تولید مواد خام — یخ، ابریشم، پشم — و برب نافت و تولید پارچه و تجارت آن سستگی دارد درصمن، نا همه کسانی ارتباط پیدا می‌کند که به سسک، رنگ، ارائه و مفهوم آن می‌پردازند سانبراین، لباس بخشی از یک فرهنگ مادی بیست که در گذر زمان تعبیر کند و مفهوم حدید پارچه و لباس تاثیرات خود را در آن برحای گذارد، بلکه حیطه‌ای است که اقتصاد، سیاست، اجتماع، هویت و دهیت را در بر می‌گیرد در تمامی بوسانات و فراروفرودهای این دوران، لباس چسب نقش‌های پراهمیتی را ایفا کرده است این همان مسله مورد بحث ماست اقتصاد سیاسی لباس و مفهوم اجتماعی و دهی آن در خلال یک دوره مهم و محوری از تاریخ ایران نقش روابط ایران با روسیه و اروپا در این حوره به‌شدت احساس می‌شود، این روابط صرفا در قالب فضای سیاسی قراردادهای تجاری نمی‌گنجد بلکه به‌صورت اتباع کشورهای مختلفی متحلی می‌شود که نه دربار راه یافتند و نه قدرت سیاسی و نه قلمروی دست یافتند که به‌شدت تحت تاثیر و وسوسه ریایی و امکانات تازه در مد و لباس قرار داشت این مسله به‌نوبه خود بر محارح دربار تاثیرگذار بود و پیامدهای سسیاری داشت که آن هم به‌نوبه خود در کل شرایط مالی کشور را تحت تاثیر قرار می‌داد

شخص اقامحمدخان سربار و مبارزی راستین بود؛ او یک برنامه‌ریز و رزم‌آرا، رهبر اردوگاه خویش، عاشق پشرفت و ترقی کشورش و یک



● اقامحمدخان قاجار سرسلسله قاجار، با نواح محصوره فرد خود (انابای، الموم، ۴۶۱-۱).

وطن پرست واقعی بود تداوم سلطنتی که پایه‌ریزی کرده بود، برایش اهمیت بسیار داشت و حاشییان خود را بر تعیین کرده بود این که نتیجه اقدامات وی موفقیت‌آمیز بود یا خیر، موضوع دیگری است، چرا که این موضوع امپراطوری از قابلیت‌های فردی و فشارهای خارجی بود که شرایط موجود را به انحطاط کشید

با گذر زمان، سلسله قاجار تنها به دلیل وجود حاکمانش، بلکه در ضمن به سبب ساختار حاکمیت کشور و رشد قدرت‌های استعماری مقرر شد پرونده‌های سیاسی دوره قاجار مملو از مباحثات و زرای اعظم و شاه ایران، با نمایندگان دولت‌های بریتانیا و روسیه در تلاش به منظور جلب حمایت آنان نسبت به تصویب و تأیید سیاست‌هایی است در یک دولت واقعاً مستقل، تصمیمات داخلی آن کشور محسوب می‌شود | | این استقلال اغلب کاملاً تشریفاتی بود چون ایران حرثت نمی‌کرد دست به اقدامی نبرد که مورد مخالفت یکی از دو طرف باشد (هملی، ۱۳۸۷-۱۸)

روسیه و بریتانیا دریافته بودند که راه تضعیف سرزمین ایران حمله نظامی نیست، سلحشوری لشکریان ایران و میهن‌پرستی آن‌ها احاره تسلط بر کل کشور را با استفاده از چنین شیوه‌های مستقیمی نمی‌داد و آن دو قدرت، به ظاهر، مسولیت حفظ استقلال ایران را برعهده داشتند (همان‌جا) به همین سبب برای نعود و رسوخ در این کشور به وسایل دیگری متشش شدند و با تأثیرگذاری بر دربار، ناراهای آن کشور را تحت سلطه خود درآوردند در اختیار داشتن اشخاص متعددی که تحت‌الحمایه آن‌ها بودند، و بر افراد خاصی در دربار یا در میان وررا که با آن‌ها پیوسته در ارتباط بودند، امکان دیدار با شاه، داشتن پرشکان و مربیان رن در دربار، و تمامی راه‌های بطارت و دیدنایی بردیک در دربار، کسب اطلاعات و تأثیرگذاری بر درباریان و شخص شاه را برایشان آسان می‌کرد

قحرها ادعا می‌کردند از حدود هفتصد سال پیش از رسیدن به تاج‌وتحت، دارای شجره‌نامهٔ مکتوب و مستند آنان از قبایل ترک اوغور بودند که در سده یازدهم میلادی / چهارم هجری به آن منطقه آمدند در سده چهاردهم میلادی / هفتم هجری قبیله مستقلی را تشکیل دادند و از جانب عرب به سوریه رفتند و سپس به منطقه ایران بازگشتند و در شمال عرب این کشور، در ایروان، گجه و قره‌باغ سکی گزیدند (همان ۱۳۶-۱۴۱) آن‌ها در دوران صعویه در ارتش سلطنتی خدمت می‌کردند و در سده شانزدهم میلادی / دهم هجری چنان با قدرت می‌جنگیدند که شاه‌عباس صعوی احساس کرد از طرف آنان مورد تهدید قرار دارد، به همین دلیل آن‌ها را تقسیم کرد و گروه عظیمی را به شمال شرق ایران فرستاد تا در مقابل حملات ترک‌ها و اربک‌ها



● فتح‌آلی‌شاه (همان، ۱۰۱)



● محمدشاه (همان، ۱۰۳)

این مراسم در دربار نوشته است، سنده می‌کنیم، در ماسک‌های خاص و حارق‌العاده، چیزی را شکوهمندتر از دربار ایران نمی‌توان یافت در این‌جا صحنه‌ای از شکوه و عظمتی بی‌همتا به نمایش گذارده می‌شود که با نظم و ترتیب خاصی جلوه می‌کند به هنج بخشی از حکومت به‌اندازه حفظ دقیق این آداب و رسومی که برای قدرت و شکوه سلطان ضروری به نظر می‌رسد، حسین توجه خاصی مدول شده است و [شاه] همهٔ درات و خودش از شاه بودنش حکایت داشت، بی‌اندازه ریبا با عظمت و گشاده رو (همان ۱۴۷-۱۴۸)

فتح‌آلی‌شاه قصد داشت مقام حاشیایی خود را به عباس‌میرزا اعطا کند و از طریق سپردن ردای مرین و افتخارامیر کیانی، که نام سلسله افسانه‌ای پیش از اسلام بر آن نهاده شده و شامل یک حجر، بطرقربانی، و نشان شیروخورشید بود، می‌خواست قدرت خویش را به سرش واگذار کند؛ پسری که پیش از رسیدن به تاج‌وتحت سلطنت در سال ۱۲۱۲م. خا سپرد (امانت، ۱۹۹۷-۳۳)

دوران قاجار رکودی را در تولید پارچه، لباس و سبک ایرانی نشان می‌دهد آن‌چه این دوره برای تداوم رشد و پیشرفت به آن نیاز داشت، ادامه تولید یا بافت پارچه‌های گوناگون و تداوم تولید به سبک ایرانی بود البته برنامه‌ریزی برای ایجاد حاده‌های خوب و امن، تجارت

این مقام باروندهانی است که در آن حواهرات معروف دریای نور و تاج ماه، که نادرشاه از هندوستان به عیبت آورده بود، کارگذاشته شده است. شمشیر شاه اسماعیل صعوی با تشریفات خاصی آماده و به گهر شاه جدید بسته شد همهٔ این نشان‌ها و تزییناتی که بر بیکر شاه آورده می‌شد، علامت احترام به ست حکومت پادشاهی و تمایل به تعلق داشتن به ربحرۀ حکمرانان بزرگ کشور بود تمامی این‌ها در دست حواهرنشان برای جنگیدن، بارونید برای قدرت بخشیدن و محافظت، تاج برای نشان دادن رهبری شامخ، حردمدی و قدرت انحصاری و وسایط، و بر پرتاللو و پرتوافکن بودن و از دور دیده شده به نمایش درمی‌آمد؛ به این ترتیب، اهمیت محوری لباس در شخص شاه منجاری می‌شود سلطنت اقامحمدخان فقط یازده سال طول کشید که طی آن سبک پیشرفت‌هایی در تولید محصولات کشاورزی و بر تجارت حاصل شد. دوران سلطنت شاه بعدی قاجار، فتح‌آلی‌خان (فروردین ۱۲۱۲-۱۲۱۳م. خا) از اول قاجار یعنی قوالو و دولو که اقامحمدخان او را لقبه پادشاه داد، به‌شکل شدیدی داخلی می‌دانست) که ۳۸ سال به طول انجامید، از دورهٔ درخشان و پر رونقی بود

چون تاج‌گذاری وی بارها توصیف شده است و ما در بخش بعدی به آن خواهیم پرداخت در این‌جا به آن‌چه سرحان ملکم دربارهٔ اجرای